



۲۸ سال پس از قیام بهمن و ضرورت قیامی دیگر

۲۸ سال پیش، توده های زحمتکش مردم ایران، با قیام شکوهمند خود در ۲۲ بهمن، رژیم منفور سلطنت پهلوی را برانداختند و آن را به گور سپردند. نه اقدامات سرکوبگرانه و نیرنگ های رژیم سلطنتی و حامیان آن برای نجات رژیم شاه و نه کوشش های دارودسته خمینی برای منع مردم از توسل به اسلحه و قیام، هیچکدام تاثیری در عزم و اراده ی توده های مردم، برای یکسره کردن کار رژیم شاهنشاهی نداشت. توده های مردم به جان آمده ای که به انقلاب روی آورده بودند، دست به اسلحه بردند، مراکز ستم و سرکوب را قهرمانانه مورد یورش قرار دادند و با قیام مسلحانه خود، پرونده ی دودمان پهلوی و نظام سلطنتی را درهم پیچیدند.

با این همه، همان طور که میدانیم، به رغم تمام قهرمانی ها و از جان گذشتگی میلیون ها انسان کارگر و زحمتکشی که برای پایان دادن به جور و ستم و اختناق و نابرابری و برای رسیدن به آزادی و برابری به پا خاسته بودند، این تلاش ها به نتایج مطلوب خود نرسید و ناکام ماند. سرمایه دارن و ثروتمندان باهدمستی دستگاه روحانیت، به سرعت به بازسازی دستگاه های سرکوب روی آوردند، راه را بر پیشرفت انقلاب مسدود کردند، به انقلاب یورش بردند و سرانجام انقلاب مردم ایران را از پای در آوردند. با تسلط کامل ضد انقلاب، شرایطی به مراتب دشوارتر و دهشتناک تر از گذشته، بر کارگران و زحمتکشان ایران تحمیل گردید.

۲۸ سال پس از قیام خونین ۲۲ بهمن ۵۷،

در صفحه ۲

مبارزات کارگران جهان در ماهی که گذشت

۴

خلاصه ای از اطلاعاتی ها

و بیانیه های سازمان

۲

بیانیه سازمان فدائیان (اقلیت) به مناسبت ۱۹ بهمن، سالروز حماسه سیاهکل

۳۶ سال مبارزه

در راه آزادی و سوسیالیسم

۳

طرح رفع موانع تولید و تشدید بی حقوقی کارگران

کارگران به ۱۳ درصد کاهش یافته است. از موارد مهمی که در این طرح تصویب شده است، تغییر مواد ۷، ۱۰ و ۲۱ از قانون کار است.

در واقع با ارجاع طرح فوق به کمیسیون صنایع، مجلس بی سروصدا موادی از قانون کار را تغییر داد که پیش از آن و با اعلام طرح تغییر موادی از قانون کار از سوی جهرمی وزیر کار اعتراضات زیادی را برانگیخته بود.

زمانی که پیش نویس طرح تغییر موادی از قانون کار از سوی وزیر کار مطرح شد، یکی از نمایندگان مجلس از امکان تصویب در صفحه ۵

طرح "رفع موانع تولید و سرمایه گذاری" که بر اساس اصل ۸۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی توسط مجلس به کمیسیون صنایع برای بررسی و تصویب ارسال شده بود، در تاریخ ۳ بهمن در این کمیسیون به تصویب رسید.

در پی تصویب این طرح در کمیسیون صنایع، این طرح برای تعیین و تصویب مدت زمان اجرای آزمایشی آن به مجلس ارجاع داده شد.

در این طرح علاوه بر امتیازاتی که برای کارفرمایان در زمینه هایی چون نرخ مصرف برق و گاز، سود بانکی و غیره در نظر گرفته شده، سهم کارفرما از حق بیمه

طرح محدودیت جنسیتی پذیرش در دانشگاهها

برگ سیاه دیگری در کارنامه جمهوری اسلامی

۸

موج فزاینده سرکوب،

همچنان بر دانشگاه های کشور ادامه دارد

دانشگاه ها، و نیز تاثیر گذاری مبارزات و اعتراضات جنبش دانشجویی بر افشار مختلف مردم و دیگر جنبش های اجتماعی، از جمله دلایلی هستند که جمهوری اسلامی را بر آن داشته تا دانشگاه و جنبش دانشجویی را، همواره در چنبره ی فشارهای سرکوبگرانه نهادهای امنیتی خود داشته

در صفحه ۶

جمهوری اسلامی، از زمان شکل گیری تا کنون، همواره روی جنبش دانشجویی و فضای حاکم بر دانشگاه های کشور، حساسیت ویژه ای از خود نشان داده است. پیشینه ی مبارزاتی جنبش دانشجویی، وجود تناقض آشکار میان افکار ارتجاعی، منحط و قرون وسطانی رژیم، با فضای بیداری، روشنگری و آگاهی های سیاسی حاکم بر

۲۸ سال پس از قیام بهمن و ضرورت قیامی دیگر

امروز در شرایطی از این روز بزرگ تاریخی یاد می‌کنیم که تضادهای اجتماعی که قیام و انقلاب، در اساس بر آن پایه شکل گرفتند، نه فقط حل نشده اند و یا حتی تخفیف هم نیافته اند، بلکه این تضادها همچنان لاینحل مانده و بیش از پیش تشدید شده اند. هیچیک از خواست‌های اساسی توده‌های مردمی که دست به قیام زدند متحقق نشده است. میلیون‌ها انسان به همان درجه‌ای که در مقطع قیام بهمن گرسنه بودند و حتی بیشتر از آن، همچنان گرسنه اند و نان می‌خواهند. میلیون‌ها انسان به همان درجه‌ای که در مقطع قیام بهمن در فقر و تنگدستی به سر می‌بردند و حتی بیشتر از آن، در فقر و تنگدستی به سر می‌برند. میلیون‌ها کارگر و اعضای خانواده آنها به زندگی در زیر خط فقر محکوم شده‌اند. میلیون‌ها انسان بیکارند، هیچ منبع درآمدی ندارند و کار می‌خواهند. میلیون‌ها مردم زحمتکشی که علیه دیکتاتوری شاه و نظام ارتجاعی سلطنتی قیام کردند، همچنان از ابتدائی‌ترین حقوق دموکراتیک و آزادی‌های سیاسی محروم اند و تشنه‌ی آزادی و برابری‌اند.

۲۸ سال پس از قیام بهمن، اکنون در شرایطی از قیام شکوهمند توده‌های مردم یاد می‌کنیم که رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی نیز با یک بحران سیاسی جدی دست به گریبان است. بر بستر این بحران سیاسی، کشمکش‌ها و اختلافات میان باندها و جناح‌های حکومتی بیش از پیش تشدید شده است. رویدادها و تحولات منطقه خاور میانه، اعمال فشارهای سیاسی و اقتصادی اروپا و آمریکا و انفراد جمهوری اسلامی، بحران سیاسی را که در اساس محصول تضادهای تشدید شونده درون جامعه است، عمیق‌تر ساخته است. تمام تلاش‌ها و راه‌حل‌های جناح‌ها و گروه‌بندی‌های وابسته به طبقه حاکم برای تحفیف تضادها و حل بحران، با شکست روبرو شده است. کابینه نظامی-امنیتی و تشدید بیش از پیش خفقان و سرکوب نیز نه تنها نتوانسته است تضادها را تخفیف دهد، بلکه این تضادها را تشدید نموده و بر اختلافات درونی هیئت حاکمه نیز دامن زده است. بازی اصلاح طلبی و عوام فریبی به پایان رسیده است و تلاش‌های کنونی و عبث طبقه حاکم برای اجرای مجدد نمایش اصلاح طلبی ثمری نخواهد داشت. تاکتیک‌ها و ابزارهای رژیم جمهوری اسلامی برای حل تضادها و برای کنترل و مهار جنبش‌های اعتراضی و اجتماعی تأثیر تعیین‌کننده‌ای نداشته است و در یک کلام تمام کارت‌های بورژوازی حاکم در این زمینه سوخته

و ترندهای ارتجاع حاکم بلااثر مانده است. ۲۸ سال پس از قیام بهمن و استقرار رژیم جمهوری اسلامی، این موضوع بیش از پیش به اثبات رسیده است که برای پایان دادن به جور و ستم و اختناق، برای از میان برداشتن تبعیض و نابرابری و برای رسیدن به آزادی و برابری، جز تعیین تکلیف قطعی بانظام حاکم و جز تدارک و توسل به قیام و انقلاب راه دیگری در برابر توده‌های مردم وجود ندارد.

تجربه انقلاب و قیام بهمن ۵۷ باید به همه کارگران و زحمتکشان آموخته باشد که تحت هیچ شرایطی نباید به وعده و وعیدهای طبقات غیر کارگر اعتماد کنند و قدرت سیاسی را به دست آن‌ها بسپارند. چرا که مسئله اساسی در هر انقلاب، مسئله قدرت سیاسی است و این که سرانجام قدرت سیاسی در دست کدام طبقه قرار خواهد گرفت، سرنوشت انقلاب را تعیین می‌کند. توده‌های مردم ایران در حالی که با یک انقلاب توده‌ای و قیام مسلحانه رژیم سرکوبگر سلطنتی را سرنگون کردند، اما اعتماد ناآگاهانه آن‌ها به خمینی عوام فریب و دارو دسته‌ی وی، به استقرار رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی منجر شد و قدرت سیاسی به دست مرتجعین افتاد.

تجربه شکست انقلاب بار دیگر بر این واقعیت نیز صحنه می‌گذارد که اگر طبقه کارگر از آگاهی و تشکل لازم برخوردار نباشد و نتواند رهبری انقلاب را به دست گیرد، قدرت سیاسی بازم به دست بورژوازی خواهد افتاد. اگرچه وضعیت امروز جنبش انقلابی مردم زحمتکش ایران به ویژه جنبش طبقاتی کارگران در مقایسه با سال ۵۷ بسیار متفاوت و جلوتر از آن است، و باز اگر چه زمینه‌ها و فاکتورهای عینی و ذهنی انحلال پرولتاریا در یک جنبش همگانی بسیار کم رنگ تر و ضعیف تر از آن سال‌ها است، با این همه، چنین احتمال و یا چنین خطری منتفی نیست. از این روست که طبقه کارگر بایستی بسیار هوشیارانه تر از گذشته عمل کند و در عین همراهی و اقدام سیاسی مشترک با اقتشار رادیکال خرده بورژوازی، صف خود و سیاست خود را از این اقتشار متمایز سازد و از استقلال طبقاتی خود، همچون مردمک چشم محافظت نماید.

۲۸ سال پس از انقلاب و قیام، کارگران و زحمتکشان ایران برای رسیدن به خواست‌های خود، راه دیگری ندارند جز آن که مبارزات خود را تشدید کنند و بادرسی آموزشی از کلیه تجارب انقلاب گذشته و قیام ۲۲ بهمن، بازم به انقلاب و قیام مسلحانه روی آورند، و این بار، رژیم جمهوری اسلامی و نظم ارتجاعی موجود را از ریشه براندازند و بر ویرانه‌های آن، حکومت شورائی خود را مستقر سازند.

خلاصه‌ای از اطلاعیه‌ها و بیانیه‌های سازمان

در هفته‌های اخیر چندین اطلاعیه از سوی سازمان صادر شد. اولین اطلاعیه روز ۷ بهمن ماه و تحت عنوان "محاکمه "جوانمیر مرادی" در دادگاه جزائی کرمانشاه را محکوم می‌کنیم" انتشار یافت. در این اطلاعیه سازمان ما نسبت به احضار "جوانمیر مرادی"، رئیس انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه و عضو هیئت موسس اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار، به جرم شرکت در راهپیمائی روز جهانی کارگر در سال ۱۳۸۵ به شعبه ۱۰۹ دادگاه جزائی کرمانشاه اعتراض کرده و ضمن محکوم کردن پیگرد و محاکمه "جوانمیر مرادی"، اعلام نمود که برپائی مراسم اول ماه مه حق مسلم کارگران است.

دومین اطلاعیه در روز هشتم ماه بهمن و در اعتراض به بازداشت سه فعال جنبش زنان صادر شد. در این اطلاعیه دستگیری منصوره شجاعی، طلعت تقی نیا و فرناز سیفی، که برای شرکت در یک دوره آموزش روزنامه نگاری روز شنبه ۷ بهمن ماه عازم هند بودند، و انتقال آنان به بند ۲۰۹ زندان اوین محکوم شد. در بخشی از این اطلاعیه آمده است "این نه اولین بار و نه بدون شک آخرین باری است که گزمگان رژیم، خودسرانه فعالین جنبش‌های اجتماعی را بازداشت و روانه زندان می‌سازند. کارنامه رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی مملو از موارد مشابه است". در ادامه گفته می‌شود که "چاره خاتمه دادن به تمام این بی‌حقوقی‌ها، سرنگونی انقلابی رژیم به دست توده‌های کارگر و زحمتکش است". و در خاتمه ضمن محکوم شمردن این اقدام، سازمان ما خواستار آزادی بلادرنگ منصوره شجاعی، طلعت تقی نیا و فرناز سیفی شد.

سومین اطلاعیه روز ۱۰ بهمن و تحت عنوان کارگران اخراجی "ایران صدرا" باید دوباره به سر کار برگردند انتشار یافت. در این اطلاعیه از تجمع اعتراضی ۱۵۰ کارگر شرکت صنعتی-دریائی "ایران-صدرا" و بستن درب ورودی این کارخانه، که در اعتراض به اخراج ۳۸ نفر از هم زنجیران خود انجام گرفت، حمایت شد. به گفته کارگران اعتصابی، صاحبان این شرکت، کارگران بومی را اخراج کرده و کارگران غیر بومی را با قراردادهای موقت به کار می‌گیرند. در این اطلاعیه به نقل از نماینده کارگران گفته می‌شود "حق تقدم با کارگران محلی است و اگر این شرکت قادر به ایجاد اشتغال نیست، بهترین راه تعطیل شدن آن است" و اینکه "این اعتصاب تا حصول نتیجه لازم برای کارگران، ادامه خواهد داشت". در خاتمه این اطلاعیه ضمن حمایت از مبارزات و مطالبات کارگران "ایران صدرا"، سازمان ما خواستار بازگشت فوری ۳۸ کارگر اخراجی به سر کارهای خود شده و اعلام



بیانیه سازمان فدائیان (اقلیت) به مناسبت ۱۹ بهمن، سالروز حماسه سیاهکل

۳۶ سال مبارزه در راه آزادی و سوسیالیسم

کارگران و زحمتکشان!

توده های مردم ایران، اکنون تماما به سرنیزه متکی ست، در آستانه یک بحران ژرف دیگر قرار گرفته است. از هم اکنون باید برای وارد آوردن ضربه نهائی به این رژیم سرتا پا ارتجاعی آماده بود. باید قاطعانه دست رد برسینه کسانی زد که می خواهند با وصله و پینه کردن جامعه موجود و وعده بهبود اوضاع با حک و اصلاح ناچیز آن، به تداوم حیات رژیم ارتجاعی حاکم و نظم موجود، یاری رسانند. نباید به چیزی کمتر از سرنگونی تام و تمام رژیم واستقرار یک حکومت شورائی که فرمانروائی خود شما کارگران و زحمتکشان است، رضایت داد.

فعالین و هواداران سازمان!

قهرمانی وجانفشانی حماسه آفرینان سیاهکل و تمام رفقای که در طول تمام این سال ها، به خاطر اهداف و آرمان های کمونیستی سازمان، در دشوارترین شرایط، مبارزه کردند و جان باختند، همواره الگویی از تلاش و مبارزه پیگیر و آشتی ناپذیر کمونیستی ست. این مبارزه همواره، رهنمون عمل ما بوده و خواهد بود.

بر تلاش خود برای تحقق اهداف و آرمان های سازمان بیافزائید، تلاش برای هرچه بیشتر متشکل نمودن و ارتقاء سطح آگاهی طبقاتی کارگران که وظیفه همیشگی ما بوده است، امروز اهمیتی دوجندان یافته است. چرا که حتا سرنوشته مطالبات کنونی توده های وسیع مردم و مبارزات جنبش های اجتماعی دیگر در ایران، وابسته به نقشی ست که طبقه کارگر در تحولات سیاسی پیش روی ایفا خواهد نمود. برای متشکل ساختن کارگران در کمیته های کارخانه، سندیکا و دیگر تشکل های کارگری و بسته به شرایط، مخفی، نیمه علنی و علنی تلاش کنید. با استفاده از تمام روش های ممکن، اهداف و برنامه سازمان را وسیعا پخش، تبلیغ و ترویج نمایید. شعارهای اساسی سازمان به ویژه **”کار- نان- آزادی- حکومت شورائی“** و **”زنده باد آزادی- زنده باد سوسیالیسم“** را به میان توده ها ببرید. نقش و اهمیت تاکتیک های سازمان به ویژه اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه را برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی، در میان توده های وسیع کارگر و زحمتکش، تبلیغ نمایید. برای پیشبرد این وظائف از هیچ تلاش و جانفشانی دریغ نوزید.

سازمان فدائیان (اقلیت) سالروز ۱۹ بهمن، نبرد سیاهکل را به همه انسان های مبارزی که بر این حماسه آفرینی و مبارزات قهرمانانه تمام رفقای سازمان ما در این ۳۶ سال، در راه آزادی و سوسیالیسم، ارج می نهند، تبریک می گوید.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی- برقرار باد حکومت شورائی
نابود باد نظام سرمایه داری
زنده باد آزادی- زنده باد سوسیالیسم
سازمان فدائیان (اقلیت)
بهمن ماه ۱۳۸۵

کار- نان- آزادی- حکومت شورائی

با فرا رسیدن ۱۹ بهمن، سالروز حماسه آفرینی فدائیان در سیاهکل، سازمان ما ۳۶ سال حیات سیاسی و مبارزاتی را پشت سر می گذارد و سی و هفتمین سال فعالیت خود را آغاز می کند. از ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ که موجودیت علنی سازمان ما، با حمله مسلحانه به پاسگاه سیاهکل، اعلام گردید، تا به امروز، ۳۶ سال سپری شد. در طول این سال ها، جامعه ایران، وضعیت های سیاسی متعددی را از سر گذرانده و سازمان ما، دورانی از فراز و نشیب های سیاسی را پشت سر نهاده است.

اما آنچه که امروز، همانند سال ۱۳۴۹، با آن رو به رو هستیم، نظام طبقاتی سرمایه داری حاکم بر ایران و دیکتاتوری عریان طبقه حاکم است که پس از سرنگونی رژیم سلطنتی شاه، تداوم آن را جمهوری اسلامی برعهده گرفته است. از همین رو، مبارزه ای را که بنیان گذاران سازمان ما برای برانداختن نظم ستمگرانه حاکم و حصول به آزادی و سوسیالیسم، آغاز نمودند، همچنان اصلی ترین مسئله جامعه ایران و سازمان ما، سازمان فدائیان (اقلیت) است.

آن چه امروز، ما به عنوان پاسدار سنت های انقلابی سازمان، همچنان به آن پای بندیم، دفاع پیگیر از اهداف، آرمان ها و منافع طبقاتی کارگران، مبارزه در راه آزادی و سوسیالیسم، دفاع از مطالبات و خواست های برحق زنان و تمام زحمتکشان و ستمدیدگان از موضع طبقه کارگر، استقامت و پیگیری در مبارزه و آشتی ناپذیری با دشمنان طبقاتی کارگران است.

این واقعیت، دیگر بر دشمنان ریز و درشت سازمان فدائیان (اقلیت) باید روشن شده باشد که حتا به بند کشیدن هزاران فدائی و صدها تیرباران نیز نتوانسته و هرگز نمی تواند، در عزم و اراده سازمان ما به نبرد تا پیروزی نهائی طبقه کارگر، خللی ایجاد کند.

این را برخی گروه های ظاهرا اپوزیسیون نیز که در مخالفت با سازمان فدائیان (اقلیت)، با علنی کردن اسامی افراد و وابستگی سازمانی شان، به همراه یک مشت جعلیات، در نقش دستیاری وزارت اطلاعات حکومت اسلامی عمل می کنند و این اقدامات شرم آور، منجر به دستگیری و ایجاد مشکل برای مردم شده است، باید فهمیده باشند.

سازمان فدائیان (اقلیت)، امروز، استوارتر از همیشه، به تلاش و مبارزه خود برای سرنگونی نظم طبقاتی حاکم بر ایران ادامه می دهد. هیچ گذشت و سازشی درکار نیست. سرنگونی جمهوری اسلامی، برقراری حکومت شورائی کارگران و زحمتکشان و گذار به سوسیالیسم، برنامه فوری ما برای برپائی یک انقلاب اجتماعی در ایران است. بگذار تمام مرتجعین، از این انقلاب بر خود بلرزند و هر آنچه که در چننه دارند، نشان دهند. ما به تلاش خود برای پیروزی این انقلاب کارگران و زحمتکشان ادامه می دهیم. تکیه گاه ما، طبقه کارگر، شما زنان و مردان ستم دیده ای ست که برای دگرگونی بنیادی نظم موجود و استقرار یک نظام انسانی، تهی از هرگونه استثمار، ستم، اختناق و نابرابری، بیکار می کنید.

کارگران و زحمتکشان! زنان! جوانان و روشنفکران انقلابی!

جمهوری اسلامی که با انزوا و انفراد روز افزون اش در میان شما

مبارزات کارگران جهان در ماهی که گذشت

در ماه گذشته، کارگران ۴ گوشه جهان با استمرار مبارزات خود مناسبات ظالمانه و نابرابر سرمایه داری را به چالش گرفتند. در آمریکا میلیونها کارگر مهاجر هر روز مورد یورش "نیروی ویژه اداره مهاجرت و گمرک" این کشور قرار گرفته و صد ها نفر از آنان با فشار و تهدید و برغم سالها اقامت در خاک آمریکا، به کشورهای خود بازگردانده شدند. جریان دست راستی، با تائید ضمنی مقامات پلیس، گروههای "شبه نظامی" خود تحت نام "سپاه مردم" را در ایالات هم مرکزیک، به راه انداخته و با کمین های شبانه، صد ها کارگر را که از کشورهای فقر زده بخش جنوبی قاره آمریکا برای کار به آمریکای شمالی می آیند، شکار کرده و تحویل مقامات دولتی دادند. کارگران خارجی تبارا دست روی دست نگذاشته و تلاش های خود برای مقابله با این اقدامات را افزایش دادند. در روزهای سوم و چهارم ماه فوریه، گردهم آئی بزرگی با شرکت دهها گروه و سازمان مدافع حقوق مهاجرین و اتحادیه های کارگری در شهر لوس آنجلس برپا شد. آماج اصلی برگزارکنندگان این نشست دو روزه، سازماندهی مراسم اول ماه مه امسال بود. به گفته شورای هماهنگی سازمانده این گردهم آئی، امسال نیز، همچون سال گذشته، روز اول ماه مه باید به روز قدرت نمائی و وحدت فرامرزی کارگران آمریکا بدل شود. هر چند کارگران آمریکا نمی توانند، هم چون هم زنجیران خود در سراسر جهان، روز اول ماه مه را تعطیل کنند، اما اول ماه مه ۲۰۰۶، نقطه پایانی شد بر این زورگویی سرمایه داران. سال گذشته، میلیونها تن کارگر مهاجر، عمدتاً از کشورهای آمریکای لاتین، با شعار "آمریکا را به تعطیل بکشانیم" به خیابان های صد ها شهر این کشور آمده و نیروی بی پایان خود را به نمایش گذاشتند. امسال هم با همین شعار اول ماه مه باید به تعطیل کشیده شود. هر چند "نیروی ویژه اداره مهاجرت و گمرک" در طول سال گذشته با به راه انداختن جو رعب و وحشت و دستگیری های جمعی مهاجرین تلاش کرده که این کارگران را از پیوستن به صفوف اتحادیه های کارگری دور نگه داشته و با ایجاد اختلافات قومی- محلی، از سازماندهی این کارگران جلوگیری کند، اما کارزار "آمریکا را بازم به تعطیل می کشانیم" با ایجاد هزاران کمیته هماهنگی در سراسر خاک آمریکا و دعوت از صد ها سازمان جوانان، کمیته های دانشجویان و جریانات ضد جنگ، میلیونها نفر را به خیابان ها خواهد کشاند و سنت مبارزاتی اول ماه مه را به این روز بازمی گرداند. همزمان با گسترش مبارزات کارگران مهاجر، کارگران غیر ماهر آمریکا نیز کارزار وسیعی را برای افزایش حداقل دستمزدها به راه انداختند. دو مجلس این کشور طرح قوانینی را برای افزایش حداقل دستمزدها از ۵ دلار در حال حاضر به کمی بیش از ۷ دلار تا سال ۲۰۰۹، در دست دارند. کارگران می پرسند چرا باید برای افزایش حداقل دستمزدها به میزان تنها ۲ دلار، ۲ سال به انتظار بنشینند، در حالیکه حقوق نمایندگان مجلس هر ساله افزایش

می باید. بنا به محاسبات اتحادیه های کارگری، دستمزد کارگران برای ۵۸ روز کار برابر با افزایش حقوق نمایندگان مجلس در یکسال است. مبارزات کارگران در اروپا عمدتاً علیه خصوصی سازی و اخراج ها متمرکز بود. از سوی دیگر موعد تجدید قراردادهای دستجمعی میلیونها کارگر در یکرشته کشورهای اروپائی به زودی فرامی رسد و درهمه پرسشی های انجام شده توسط اتحادیه های کارگری پیرامون خواست اصلی کارگران برای قراردادهای دستجمعی امسال، اغلب آنان افزایش دستمزدها و بهبود امکانات رفاهی دولتی را خواسته محوری خود اعلام نمودند. گذشته از این، تحولات سال های اخیر و هجوم وسیع و همه جانبه "نئولیبرالیسم" به تمام شئون زندگی در کشورهای مختلف اروپائی، اتحادیه های کارگران در این کشورها، بویژه شوراهای اسکندیناوی که درصد تشکل کارگران در آنها بالا است، را با مشکل جدیدی روبرو ساخته است. این مشکل رشد قارچ گونه "اتحادیه های زرد مسیحی" است. اتحادیه های زرد علناً اعلام نمودند که زمان مبارزه "جمعی" با اجحافات سرمایه داران گذشته و کارگران باید به فکر راه حل های "فردی" برای تامین منافع خود باشند. در همین راستا، آنها از کارگران می خواهند که دست به "اعتصاب" زنند و با "معامله" و "گفتگو" اختلافات خود با سرمایه داران را حل کنند. این، تبلور آشکار تلاش طبقه سرمایه دار برای "خلع سلاح" کارگران و محروم ساختن آنها از "قدرت جمعی" خود است. در همین رابطه اتحادیه های کارگری کارزار وسیعی برای عقب راندن هجوم سرمایه داران در عرصه جنبش کارگری را آغاز نموده و اولین نمونه مخالفت یکپارچه بیش از ۶۰۰ هزار کارگر دانمارکی شاغل در بخش خصوصی است، که برغم تلاش اتحادیه های زرد، با پیشنهادات سرمایه داران برای قراردادهای دسته جمعی یکپارچه دست به مخالفت زدند.

یکی دیگر از برجسته ترین نمونه های مبارزات کارگران جهان در ماه گذشته بدون شک مبارزات کارگران در جمهوری گینه در غرب آفریقا است. رژیم دیکتاتوری لانزانا کنته، در طول سالها، جز گلوله پاسخ دیگری برای نارضایتی توده ها نداشته است. برغم این دیکتاتوری عریان، تنها جنبش کارگری است که توانسته رهبری مبارزات توده ها را به دست گرفته و این رژیم را وادار به عقب نشینی نماید. اواسط ماه ژانویه، خودسری رژیم، کاسه صبر مردم را لبریز نموده و به ابتکار دو اتحادیه عمده کارگری، "کنفدراسیون ملی کارگران گینه" و "اتحادیه کارگران گینه"، اتحاد وسیعی به همراه تعدادی از سازمان های دموکراتیک برای انجام یکرشته تغییرات دموکراتیک و کاهش قیمت کالاهای اساسی ایجاد شد. این اتحاد روز ۱۸ ژانویه طی فراخوانی از همه کارگران و زحمتکشان گینه خواست تا برای تحقق خواسته های فوق دست به یک اعتصاب عمومی نامحدود بزنند. در طول این اعتصاب، که ۱۸ روز به طول انجامید، هزاران نفر به خیابان های پایتخت، کونارکی، آمده و بارها با نیروهای سرکوب به زدو خورد پرداختند. در اثر این مبارزات بیش از ۹۰ نفر هدف گلوله ماموران پلیس و سربازان ارتش قرار گرفتند و صد ها

نفر، از جمله چند تن از رهبران دو اتحادیه کارگری، به شدت مجروح شدند. برغم تمام این وحشیگریها، اعتصاب و مبارزه، بی وقفه ادامه یافت و سرانجام با گردن گذاشتن دیکتاتور به خواست توده ها، این اعتصاب تمام شده به نظر می رسید. اما تنها یک روز پس از عقب نشینی رژیم دیکتاتوری، اتحادیه های کارگری مجدداً از کارگران و توده های مردم خواستند تا اعتصاب عمومی خود را از سر بگیرند. دلیل ادامه اعتصاب و مبارزه، اعتراض به انتساب یکی از عوامل سرسپرده رژیم دیکتاتوری این کشور به مقام نخست وزیری است. بلافاصله پس از اعلام فراخوان اعتصاب عمومی، دهها هزار نفر مردم خشمگین مجدداً به خیابانهای کونارکی، پایتخت این کشور، آمده و دست به راه پیمائی زدند. ماموران پلیس برای متفرق نمودن تظاهر کنندگان، به روی آنان آتش گشودند که در اثر آن دست کم ۱۱ نفر کشته شدند. ائتلاف ضد دیکتاتوری در جمهوری گینه از توده های مردم خواست اعتصاب عمومی را تا انتخاب یکی از رهبران "کنفدراسیون عمومی کارگران گینه" به عنوان نخست وزیر ادامه دهند.

در ماه گذشته چند تن از فعالین کارگری در کشورهای مختلف جهان هدف گلوله جانینان مدافع نظم سرمایه قرار گرفتند. اواسط ماه ژانویه، پدرو زومرا، رهبر اتحادیه کارگران بنادر گواتمالا، هدف گلوله افراد ناشناس قرار گرفت و به قتل رسید. او یکی از پر شورترین و فعال ترین رهبران مبارزات کارگران بارانداز گواتمالا و یکی از دشمنان سازش ناپذیر نظم ظالمانه سرمایه داری بود. در فلسطین و عراق نیز مرتجعین اسلام گرا، برغم درگیری و جنگ قدرت با یکدیگر، فعالین کارگری، این دشمنان قسم خورده سرمایه داران، را فراموش نکرده و در هر فرصتی قصد نابودی آنها را کردند. روز ۱۱ ژانویه، محمد حامد، از فعالین و سازمانگران "فدراسیون اتحادیه ها و شوراهای کارگری عراق" هنگام تردد در یکی از محلات جنوبی بغداد، به همراه دهها تن دیگر از مردم بی دفاع این شهر، هدف رگبار گلوله قرار گرفت و به قتل رسید. روز ۱۶ ژانویه، افراد مسلح با صورت های پوشیده، خودروی حامل ۸ تن از فعالین کارگری صنایع نفت عراق را ربوندند. کارگران به گروگان گرفته شده پس از چند ساعت، یک به یک از اد شدند، اما عبدالکریم مهدی، هرگز به میان هم زنجیران خود و خانواده اش بازنگشت. چند روز بعد جسد او، در حالیکه از پشت سر به گلوله بسته شده بود، در یکی از خیابان های بغداد پیدا شد. اوایل ماه فوریه منزل مسکونی رسام البایری، رهبر اتحادیه فلزکاران فلسطین، از سوی افراد ناشناس با پرتاب نارنجک مورد حمله قرار گرفت. در طی این حمله بخشی از منزل وی تخریب شد، اما خوشبختانه به هیچ یک از اعضای خانواده وی صدمه ای وارد نشد. چند روز پس از این حمله دفتر مرکزی "فدراسیون عمومی اتحادیه های کارگری فلسطین" مورد حمله موشکی قرار گرفت. در اثر این حمله، ایستگاه فرستنده رادیویی "صدای کارگر" به کلی ویران و تمام امکانات فنی این رادیو تخریب شد. و سرانجام اینکه خلیل ابراهیم، دبیر "اتحادیه عمومی کارگران عراق"، در حال ترک دفتر مرکزی این "اتحادیه"، با بمب دستی مورد حمله قرار گرفت و به شدت مجروح شد.

طرح رفع موانع تولید و تشدید بی حقوقی کارگران

این طرح از سوی یکی از کمیسیون ها به جای طرح آن در مجلس سخن به میان آورده بود. در واقع همه ی این تلاش ها هدفی جز تغییر بی سروصدای قانون کار و هر چه ضد کارگری تر کردن این قانون به نفع سرمایه داران، بدون برانگیختن حساسیت ها و اعتراضات کارگران نداشته و ندارد.

از سوی دیگر تصویب و اجرای این طرح راه را برای تغییر هر چه بیشتر قانون کار به نفع سرمایه داران باز می کند. شکی نیست که بعد از این نیز می توانند در پوشش طرح ها و لوایح دیگر، تغییرات مد نظر را که در پیش نویس تغییر موادی از قانون کار آمده بود، به تصویب برسانند.

فراموش نکنیم که در پی طرح موضوع لزوم تغییر قانون کار از سوی جهرمی وزیر کار، و اعتراضات و حساسیت های فعالین کارگری و کارگران بر روی این موضوع، احمدی نژاد مجبور شده بود بگوید که طرح تغییر قانون کار در دستور کار هیات دولت نیست.

تصویب طرح فوق و تغییراتی که در قانون کار در این طرح در نظر گرفته شده، بیش از هر چیز دو هدف را دنبال می کند. اول جا انداختن هر چه بیشتر قراردادهای موقت به جای استخدام دائم و دوم آسان تر کردن اخراج کارگران. در این جا نگاهی به این تغییرات و اهداف آن می اندازیم.

در ماده ۱۰ از این طرح چنین آمده است: «به ماده ۷ از قانون کار دو تبصره به شرح زیر اضافه می گردد:

تبصره ۳ - قراردادهای با بیش از سی روز باید بصورت کتبی و در فرم مخصوص که توسط وزارت کار و در چارچوب قوانین و مقررات تهیه و در اختیار طرفین قرار می گیرد، باشد.

تبصره ۴ - کارفرمایان موظف اند به کارگران با قرارداد موقت به نسبت مدت کارکرد مزایای قانونی پایان کار به ماخذ هر سال یک ماه آخرین مزد پرداخت نمایند».

در این ماده به اصطلاح سعی شده مزایایی برای کارگران قرارداد موقت بعد از پایان کار در نظر گرفته شود. اما این ظاهر قضیه است. در واقع دولت با این کار سعی دارد با تصویب این طرح، قراردادهای موقت را امری تمام شده تلقی کند و این در حالی است که امروز بسیاری از اعتراضات کارگری، اعتراض به قراردادهای موقت است.

پرداخت مزایای قانونی پایان کار در قراردادهای موقت، یک موضوع کاملاً فرعی در اعتراضات کارگران است. کارگران نفس قراردادهای موقت را قبول ندارند و آن را عامل عدم امنیت شغلی خود

می دانند. قانونی که کارفرمایان با توسل به آن می توانند در صورت اعتراضات کارگران خیلی راحت با عدم تمدید قراردادشان، آنها را اخراج کنند.

رژیم سعی دارد با جا انداختن قراردادهای موقت و با کمی بزرگ کردن آن در واقع این قراردادهای را در عموم کارخانجات جا انداخته و بدین ترتیب امکان سرکوب هر چه راحت تر اعتراضات کارگری را فراهم آورد. به ویژه آن که با توجه به برنامه رژیم برای واگذاری کارخانجات بزرگ به سرمایه داران بخش خصوصی، موضوع قراردادهای دائم و موقت اهمیت برجسته تری پیدا می کند.

بنابر این اعتراض کارگران نه به مزایای قانونی پایان کار در قراردادهای موقت که به اصل قراردادهای موقت است.

هر چند که بسیاری از کارفرمایان با روش های دیگر می توانند از زیر بار دادن همین چندرغاز نیز خودداری کنند. همانطور که الان می کنند و به طور مثال به جای بستن قراردادهای سه ماهه قرارداد برای ۸۹ روز با کارگران می بندند. و یا کارگاه های کمتر از ده نفر که شامل قانون کار نمی شوند و تازه وزیر کار تلاش دارد این محدوده را بسیار گسترده تر کرده و حتا شامل کارگاه های بزرگ نیز بکند.

تغییر دیگری که در قانون کار طبق این قانون لحاظ شده، ماده ۲۱ قانون کار است. ماده ۲۱ قانون کار ناظر بر چگونگی پایان قرارداد کار بین کارگران و کارفرمایان است.

طبق قانون "رفع موانع تولید و سرمایه گذاری"، دو بند به ماده ۲۱ قانون کار اضافه شده است. در یکی از بندها چنین آمده است:

"کاهش تولید و تغییرات ساختاری در اثر شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و لزوم تغییرات گسترده در فن آوری مطابق با مفاد ماده ۹ قانون تنظیم بخشی از مقررات تسهیل و نوسازی صنایع کشور".

یعنی کارفرما با توسل به این ماده می تواند خیلی راحت کارگران را اخراج کرده و از حمایت قانونی در اخراج و به فقر و فلاکت گتاندن کارگران برخوردار باشد.

مگر امروز اعتصابات و اعتراضات کارگران پوشینه بافت، مخمل و ابریشم کاشان، یخچال سازی لرستان، پارسیلون، نازنخ و دهها و صدها کارخانه دیگر دلیل دیگری دارد؟ در همه ی این کارخانه ها، کارفرما شرایط اقتصادی و غیره را بهانه کرده و گفته است که دیگر نمی تواند با شرایط موجود کار کند.

مگر در بسیاری از کارخانجات به همین

دلیل کارگران رسمی را اخراج نکرده اند و پس از مدتی کارگران و حتا همان کارگران قدیمی را به صورت قرارداد موقت استخدام نکرده اند؟

بنابراین، هدف ماده قانونی فوق نیز جز رسمیت بخشیدن به اخراج کارگران و بالا بردن چماق قانون، جهت ممانعت از اعتراضات کارگران و سرکوب آنها چیز دیگری نیست.

در واقع جمهوری اسلامی با تصویب این تغییرات در پوشش طرح "رفع موانع تولید و سرمایه گذاری" می خواهد دو موضوع مهم مورد اعتراض کارگران را شکل قانونی بخشد، یعنی قراردادهای موقت و اخراج و بیکارسازی کارگران.

جمهوری اسلامی در طول این سال ها ثابت کرده است که در کجای این دعوا نشسته و کارگران شکی در نقش دولت در حمایت از سرمایه داران و سرکوب کارگران ندارند.

بی شک روند به فقر راندن هر چه بیشتر و شدیدتر کارگران در پی این سیاست ها ادامه خواهد داشت و کارگران برای مقابله با این روند چیزی جز زنجیرهای پای شان برای از دست دادن ندارند. کارگران تنها با اتحاد خود و با برافراشتن پرچم مبارزه می توانند به حيله ها و تجاوزات سرمایه داران و دولت پاسخ دهند و این همان چیزی است که سرمایه داران و دولت از آن وحشت دارند.

از صفحه ۲

خلاصه ای از اطلاعیه ها و ..

نمود که " راه مقابله با زورگویی های سرمایه داران، وحدت کارگران، چه بومی و غیربومی، است. نباید اجازه داد که سرمایه داران شکل قراردادهای را عاملی برای تفرقه در میان کارگران قرار دهند. کارگران باید فقط با قراردادهای دسته جمعی برای سرمایه داران کار کنند".

روز ۱۵ بهمن ماه اطلاعیه دیگری در رابطه با "پیگرد و دستگیری نمایندگان کارگران" ایران صدر" انتشار یافت. در این اطلاعیه آمده است "

رژیم ضد کارگر جمهوری اسلامی، روز پنج شنبه ۱۲ بهمن ماه سه نفر از نمایندگان کارگران "ایران صدر" به نام های اکبر رنجبریان، محمد عباسپور و روح الله بایزیر را به دادگاه عمومی شهر بوشهر احضار کرد. در شامگاه همان روز، روح الله بایزیر، یکی از کارگرانی که صبح این روز به دادگاه احضار شده بود، توسط ماموران نیروی انتظامی بوشهر در منزل خود دستگیر شد". سازمان در این اطلاعیه اقدامات سرکوبگرانه رژیم را "پاسخ به اعتصاب کارگران این کارخانه" دانست و احضار فعالین کارگری شرکت "ایران صدر" به دادگاه بوشهر را محکوم نمود و خواستار آزادی بلا درنگ "روح الله بایزیر" شد.



موج فزاینده سرکوب، همچنان بر دانشگاه های کشور ادامه دارد

باشد. اگر چه پیگیری این سیاست سرکوبگرانه، همیشه از طرف جمهوری اسلامی بر فضای دانشگاه های کشور اعمال شده است، اما با روی کار آمدن دولت نظامی - امنیتی احمدی نژاد، سیاست سرکوب، ابعاد وسیعتری به خود گرفته است.

دولت احمدی نژاد هم اینک در تمامی عرصه ها، نا توانی خود را در پاسخگویی به شعارهای فریبکارانه ی انتخاباتی خود به نمایش گذاشته است. تا جایی که هم اکنون، نه فقط از طرف جناح های رقیب درون حاکمیت با انتقادهای شدیدی روبرو است، بلکه هر روز که می گذرد بر واکنش انتقادی حامیان او نیز افزوده می شود. لذا برای برون رفت از فشارهای موجود و جلوگیری از تجمعات اعتراضی جنبش های اجتماعی، از جمله اعتراضات دانشجویی، چاره ی کار را در گسترش فضای سرکوب در کل جامعه، بویژه دانشگاه های کشور قرار داده است.

تجمع و تظاهرات پر شکوه دانشجویان به مناسبت گرامیداشت روز دانشجو در دانشگاه تهران، تجمع و واکنش اعتراضی دانشجویان علم و صنعت، نسبت به حضور احمدی نژاد در این دانشگاه، آن هم به فاصله زمانی یک هفته پس از اجتماع بزرگ دانشگاه تهران، که با به آتش کشیدن تصاویر احمدی نژاد و شعار "مرگ بر دیکتاتور" همراه بود، اگر چه برای کل جنبش انقلابی ایران، نشان از تحولی امید بخش در فضای جنبش دانشجویی ایران داشت، اما برای جمهوری اسلامی و دولت احمدی نژاد، هشدار و کابوسی بود از گسترش رادیکالیسم و تجمعات وسیعتر اعتراضی، نه تنها در چهار دیواری دانشگاه های کشور، بلکه گسترش آن به خارج از محیط دانشجویی و تسری آن در میان توده ها و دیگر جنبش های اجتماعی جامعه. لذا در دوماه اخیر هر روز که می گذرد علاوه بر فشارهای متعارف گذشته، شیوه های جدیدی از سرکوب و اختناق نیز برگستره ی فشارهای اعمال شده بر دانشجویان افزوده می شود. تا جایی که در دو هفته اخیر، کمتر روزی بوده است که شاهد احضار دانشجویان به کمیته های انضباطی، اخراج، دادگاهی شدن آنها ویا تعطیلی نشریات دانشجویی نبوده باشیم. نکته ی قابل توجه این است که اتهام تمامی این دانشجویان، شرکت در تجمعات اعتراضی در ماه های گذشته به ویژه، شرکت در تجمعات اعتراضی روز دانشجو بوده است.

جمهوری اسلامی، سال ها است که در برخورد به تجمعات اعتراضی دانشجویی، ترجیح می دهد دیگر همانند دهه شصت، سراسیمه و شتابزده اقدام به دستگیری دانشجویان در جریان برگزاری تظاهرات نکند. بلکه با فیلمبرداری از تجمعات اعتراضی و شناسایی فعالین جنبش دانشجویی در هر تحصن و اجتماع، پس از آرام شدن اوضاع و خارج شدن دانشجویان از فضای شور، التهاب و همبستگی حاکم بر این تجمعات،

به شکار مبارزین و فعالین جنبش دانشجویی اقدام می کند. با اتخاذ این تاکتیک، از یک طرف از گسترش شور، وحدت و پتانسیل بالای نهفته در تجمعات متشکل دانشجویی جلوگیری می کند. و از طرف دیگر، با گذشت زمان، و با به افراد کشاندن دانشجویان، حس همدلی و همگامی آنها را نسبت به هم ضعیف تر کرده و آنگاه با هزینه های بسیار کمتری به اهداف سرکوبگرانه خود میرسد. نگاهی به فشارهای اعمال شده بر دانشجویان، تصویر روشنی از به کارگیری این تاکتیک بوده است.

احضار فعالین دانشگاه یزد به کمیته های انضباطی، در پی تحصن و اعتراضی که از طرف دانشجویان نسبت به مسمومیت ۴۰۰ دانشجوی خوابگاه این دانشگاه، در آذرماه گذشته صورت گرفت، محکومیت ۱۴ فعال دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی شهر کرد، در کمیته ی انضباطی، به اتهام تحصن مهر ماه گذشته، در ارتباط با مشکل خوابگاه دانشجویان شبانه، صدور احکام انضباطی برای ۱۰ تن از دانشجویان عضو انجمن های علمی دانشجویی دانشگاه سهند تبریز، به اتهام شرکت در اعتراضات دانشجویی اردیبهشت و خرداد ماه گذشته، احضار ۸ تن از دانشجویان دانشگاه مازندران، به اتهام شرکت در مراسم ۱۶ آذر و نشر عقاید مارکسیستی و کمونیستی، صدور حکم تبعید به "دهاقان" اصفهان، برای مدیر مسئول نشریه دانشجویی "هاوری" دانشگاه آزاد سنندج، به اتهام شرکت در مراسم ۱۶ آذر، احضار مدیر مسئول نشریه دانشجویی "درنگ" به کمیته ناظر بر نشریات دانشجویی دانشگاه خواجه نصیر، توقیف نشریه دانشجویی "فرهنگ مبارزه" در دانشگاه شاهرود و احضار مدیر مسئول آن به داسرای این شهرستان، تعطیلی دفتر شورای صنفی دانشجویی دانشکده اقتصاد علامه طباطبائی، دوترم تعلیق برای دانشجوی دانشگاه سبزوار به اتهام مصاحبه با شبکه های خبری، محاکمه و ممنوع الورد شدن دو دانشجوی دختر به اتهام شرکت در تجمع ۲۲ خرداد زنان و ده ها نمونه ی دیگر، حاصل سیاست سرکوبگرانه نهادهای امنیتی رژیم، در دو هفته اخیر بوده است. علاوه بر این ها، احضار ۸۰ تن از فعالین دانشجویی دانشگاه های سراسر کشور در آذر و دیماه گذشته، به ویژه تعدادی از دانشجویان فعال دانشگاه های تهران و علم و صنعت، به کمیته های انضباطی، آنهم در روزهای حساس امتحانات ترم گذشته، به اتهام شرکت در مراسم روز دانشجو دانشگاه تهران و اعتراض دانشجویان نسبت به حضور احمدی نژاد در علم و صنعت، نمونه هایی از سرکوب و فشارهای اعمال شده توسط دولت احمدی نژاد در دوماه بعد از تجمعات دانشجویی در دانشگاه تهران و امیر کبیر بوده است.

ظاهرا اعمال این همه فشار بر دانشجویان و محیط دانشگاهی، هنوز نتوانسته است عطش سرکوبگری جمهوری اسلامی را سیراب کند و

دولت احمدی نژاد را به سر منزل مقصود برساند. لذا برنامه ریزان سیاست سرکوب دانشگاه ها، هر روزه بر تلاش خود می افزایند، تا شیوه های کهنه شده ای را که در سال های اولیه دهه شصت از آن سود برده اند، مجدد بازسازی و احیاء نمایند. گفتگوی خبرگزاری ایسنا با محمدیان، رئیس نهاد نمایندگی خامنه ای در دانشگاه ها، در تاریخ ۱۴ بهمن ماه، نمونه ی بارزی از تلاش مجدد جمهوری اسلامی در حاکم کردن شرایط دهه شصت بر دانشگاه های کشور است. محمدیان در این گفتگو، ضمن تبیین سیاست سرکوبگرانه جمهوری اسلامی در دانشگاه ها، منکر هرگونه اعمال فشار بر دانشگاه های کشور گردیده است. او با متهم کردن دانشجویان به عبور از خطوط قرمز فعالیت دانشجویی، با وقاحت تمام، همه ی فشارها و سرکوب های اعمال شده در دانشگاه ها را، اجرای دقیق "ضابطه محیط فرهنگی" عنوان کرده، که در گذشته اجرا نگردیده است. او با عنوان اینکه "تعمیق دینی در دانشگاه ها وظیفه این نهاد بوده که برنامه ریزی برای تشکل ها و بازسازی مجدد نیروها از اولویت های جریانات دانشجویی می باشد". عملا با گسترش و سازماندهی مجدد نیروهای حراست و تشکل های بسیج دانشجویی، زمینه ی سرکوب های بیشتر جنبش دانشجویی را، باز گذاشته است.

بی دلیل نیست که همزمان با این گفتگو، و با شروع ترم جدید در دانشگاه ها، محدودیت های تازه ای در خصوص پوشش دانشجویان و نحوه حضور آن ها در پاره ای از دانشگاه ها، از جمله دانشگاه هنر، آغاز شده است. چنانکه دانشجویان دانشگاه هنر، روز شنبه ۱۴ بهمن، که جهت حضور در کلاس های درس قصد ورود به دانشگاه را داشتند، با درب های بسته دانشگاه مواجه شدند. مامورین انتظامات دانشگاه هنر، به دستور مدیریت این دانشگاه، تنها به دانشجویانی اجازه ورود می دادند که پوششان مطابق دستور العملی بود که پشت درب و در قالب اطلاعیه ای درج شده بود. بر اساس بندهای ابلاغیه مدیریت دانشگاه، دختران دانشجو موظف بودند با پوشش مقنعه، مانتوی بلند و بدون روسری، وارد دانشگاه شوند. از دانشجویان پسر خواسته شده از لباس هایی متناسب با شان دانشگاه استفاده نمایند. و همچنین از همه دانشجویان خواسته شده، در ارتباط و معاشرت با دیگران حدود شرعی را رعایت نمایند.

این اعمال فشارها به منظور سرکوب پتانسیل مبارزات صنفی - سیاسی دانشجویان است که در چند ماهه اخیر، گام های موثری در جهت سازماندهی مستقل جنبش دانشجویی برداشته اند. نقش جنبش دانشجویی در تاثیر گذاری و گسترش دیگر جنبش های اجتماعی آنچنان برجسته است، که جمهوری اسلامی با تمام نیرو، برای مهار جنبش دانشجویی به میدان آمده است. بدون تردید دانشجویان و جنبش دانشجویی ایران در پس سال ها تجربه اندوزی، به چنان درجه ای از بلوغ و شعور سیاسی رسیده است، که بدون اینکه اسیر ترفندهای روز مره ی برنامه ریزان سیاست سرکوب شوند، بتوانند با اتحاد، همدلی و رزم مشترک، نه تنها در تحقق مطالباتشان، بلکه در پیوند با کارگران و توده های زحمتکش ایران گام های موثری بردارند.

طرح محدودیت جنسیتی . . .

مجلس هفتم و از ارائه دهندگان طرح گفت: اینکه خانم‌های ما با توانی مضاعف در عرصه‌های علمی حاضر شوند و آقایان ما از این قافله عقب بمانند، بگ نقصان است. حیدرپور یک نماینده مجلس، گفته فاطمه آجرلو را تکمیل می‌کند و با صراحت بیشتری فاش می‌کند که اصل نگرانی از کجاست.

حیدرپور می‌گوید: "هر چند من خودم این طرح را امضا نکردم اما با آن موافقم. چون در این باره دستورالعمل‌های شرعی هم وجود دارد. شب ازدواج حضرت علی (ع) و حضرت فاطمه (س) کارهای خانه به فاطمه زهرا (س) و مسوولیت زندگی به حضرت علی (ع) سپرده شد و نتیجه این ازدواج هم فرزندان چون امام حسین (ع) و حسن (ع) شدند، اما اکنون ما در جامعه با یک ناهنجاری بزرگ یعنی نبود قوام و استحکام بنیان خانواده مواجهیم."

حیدر پور ادامه می‌دهد "یکی از دلایل عدم استحکام بنیاد خانواده هم همین حضور بیش از حد زنان در جامعه است، اما اگر سهمیه‌بندی جنسیتی به صورت ۵۰ درصدی به وجود بیاید شرایط مناسب‌تری خواهیم داشت. او می‌افزاید: "با این روند تا چند وقت دیگر همه جامعه در اختیار زنان قرار می‌گیرد و نسل مذکر جامعه ضرر می‌کند"

واقعیت این است که جمهوری اسلامی در مواجهه با مساله زنان با مشکل لاینحلی روبروست. قوانین جمهوری اسلامی زن را نصف مرد تلقی می‌کنند. قوانین خانواده، مرد را حاکم مطلق خانواده می‌دانند به نحوی که زن باید مطیع و فرمانبردار مرد باشد. حتی رابطه با دوستان و اقوام منوط به رضایت شوهر است. زنان بدون اجازه پدر و یا همسر از حق کارکردن محرومند. مرد می‌تواند تا ۴ زن عقدی و بی نهایت زن صیغه‌ای داشته باشد، مرد مجاز است در صورت عدم تمکین، زنش را مجازات کند، مرد می‌تواند هر زمان که ارده کرد همسرش را طلاق دهد، از پرداخت نفقه و تامین زندگی زن خودداری کند. فرزندان را از او بگیرد. و زن باید در تمام این موارد تحمل کند و دم نزند. در جامعه نیز همه گونه محدودیتی اعمال می‌شود تا زنان را از مشارکت در امور اجتماعی محروم کنند. اما زنان برای تغییر این شرایط به پا خاسته‌اند، آنان دست به اعتراض و مقاومت و مبارزه می‌زنند. آن‌ها دیگر حاضر نیستند روابط نابرابر درون خانواده را بپذیرند. آنان محدودیت‌های قانونی و اجتماعی را دور می‌زنند تا خود را اثبات کنند و به حقوق برابر دست یابند.

ارائه طرح محدودیت جنسیتی پذیرش در دانشگاه‌ها پاسخ نمایندگان به این معضل رژیم است. از طرفی در دانشگاه‌ها بر خلاف مدارس که بر مبنای جداسازی جنسیتی است، طرح حکومت اسلامی برای جداسازی جنسیتی در عمل با شکست مواجه شد. از سوی دیگر حضور فعال دختران دانشجو در اعتراضات دانشجویی است که برای رژیم غیر قابل قبول است. مساله

تنها به تهیه این طرح هم محدود نمی‌شود. از زمان روی کار آمدن احمدی نژاد اعمال محدودیت نسبت به دختران دانشجو شدت بیشتری گرفته است. درگیر شدن مداوم با دانشجویان دختر بر سر نحوه پوشش، عملیات ایذائی از جمله آنچه در دانشگاه سمنان اتفاق افتاد و به دانشجویان دختر سال‌های آخر دانشگاه اعلام کردند که دیگر در خوابگاه دانشگاه برایشان جا نیست، و لایحه جدید پوشش اسلامی که مراحل آخر تصویب خود را می‌گذراند، پشت در ماندن دانشجویان دختر دانشگاه هنر با این توجیه که پوشش‌شان به اندازه کافی اسلامی نیست، همه جنبه‌هایی از این اعمال فشار هستند.

نمایندگان مجلس ارتجاع اسلامی که طرح محدودیت جنسیتی پذیرش در دانشگاه‌ها را تهیه کرده‌اند، امیدوارند با توجه به جو کنونی که کابینه احمدی نژاد بر جامعه حاکم کرده و با توجه به اینکه اکثریت مجلس ارتجاع را در دست دارند، بتوانند این طرح را به تصویب برسانند. اما مستقل از تصویب این طرح، اعمال فشار به زنان در سطح جامعه برای بازگرداندن آن‌ها به خانه‌ها و به طور مشخص اعمال فشار بر دانشجویان دختر و محدود کردن هر چه بیشتر آنان ادامه خواهد داشت. این امر قطعاً زنان و دخترانی را که با تمام قوا برای پاره کردن زنجیرهای اسارت به پا خاسته‌اند، با محدودیت‌هایی مواجه خواهد کرد. اما دستاوردی برای رژیم در بر نخواهد داشت. جمهوری اسلامی از ۲۸ سال پیش تا کنون، مدام سعی کرده زنان را محدود کند، اما هر بار ناگزیر شده با فضااحت عقب‌نشینی نماید.

این طنز تلخ تاریخ است که جمهوری اسلامی درست در جامعه ایران، با این پتانسیل بالای آزادی‌خواهی و برابری طلبی، به قدرت رسید و تلاش نمود تاریخ را هزار و چهارصد سال به عقب بکشاند. اگر به فرض این حکومت در عربستان و یا امارات متحده عربی قرار بود حکومت کند، در دسر کمتری داشت. و این نیز طنز تاریخ است که در کشورهایی که زنان سال‌هاست از حقوق سیاسی و اجتماعی برابر با مردان برخوردارند، با برقراری مقرراتی از جمله تبعیض مثبت، تلاش می‌کنند زنان را بیشتر به مشارکت در امور اجتماعی، ترغیب کنند، اما در کشوری مانند ایران که قوانین، زن را نصف مرد تلقی می‌کنند، زنان در هر گام موانع را پشت سر می‌گذارند و اکنون در دانشگاه‌ها بر پسران پیشی گرفته‌اند و حکومت برای باز گرداندن آن‌ها به خانه‌ها قوانین تصویب می‌کنند.

حکومت اسلامی که اساس آن بر پایه نابرابری زن و مرد و اعمال تبعیض بر زنان قرار دارد، می‌خواهد با تصویب چنین طرح‌هایی جلوی رشد آگاهی زنان را سد کند و از این طریق زنان را وادارد به رابطه نابرابر در درون خانواده، به پذیرش نقش کلفت و کنیز خانگی- آنچنانکه اسلام می‌پسندد، و آن چنانکه زنان صدر اسلام انجام می‌دادند- تمکین کنند. اما روند ۲۸ سال گذشته به خوبی نشان می‌دهد که غول از شیشه بیرون آمده، و دیگر نمی‌توان زنان را به خانه بازگرداند و به پذیرش رابطه قدرت نابرابر و مردسالار ناگزیر کرد.

کمک های مالی

کانادا:

۵۰ دلار	مهران بندر
۵۰ دلار	دریا
۵۰ دلار	لاکومه
۱۰۰ دلار	ستاره
۵۰ دلار	صدای فدائی
۱۰ دلار	نرگس
۱۰ دلار	انقلاب
۱۳۰ دلار	قایقران
۱۰ دلار	نفیسه ناصری
۷۰ دلار	نفیسه ناصری- رادیو
۵۰ دلار	مرگ بر ارتجاع و امپریالیسم
۱۰۰ دلار	دمکراسی شورانی ۱
۱۰۰ دلار	دمکراسی شورانی ۲
۱۰۰ دلار	دمکراسی شورانی ۳
۱۰۰ دلار	دمکراسی شورانی ۴
۱۲ دلار	زنده باد سوسیالیسم
۱۲۰ دلار	شاخه آذربایجان
۱۵۰ دلار	شاخه گیلان
۲۵۰ دلار	آفکه
۶۰ دلار	رفیق حمیدرضا ناصری
۶۰ دلار	رفیق عبدالرضا ناصری

آمریکا:

۵۰ دلار	سازمان عشق
۵۰ دلار	رفیق صفائی فراهانی
۱۰۰ دلار	رفیق کبیر مسعود احمدزاده
۱۰۰ دلار	رفیق کبیر بیژن جزنی
۱۰۰ دلار	رفیق کبیر حمید اشرف
۱۰۰ دلار	رفیق مرضیه احمدی اسکویی
۱۰۰ دلار	رفیق هادی

آلمان :

۱۰ یورو	رفیق احمد زبیرم
۱۰ یورو	رفیق ایوب ملکی
۱۰ یورو	ر. کامران
۲۰ یورو	Prof. Erwin. Probs
۱۰ یورو	بهار
۱۰ یورو	رفیق رشید حسنی
۵ یورو	کامی

فرانسه:

۱۰۰ یورو	پاریس- جهت ادامه کار رادیو
۱۰۰ یورو	رفیق اکبر صمیمی
۱۲۰ یورو	ف- یار رادیو
۱۲۰ یورو	م. ف.
۱۲۰ یورو	م. الف. ۱۸۳
۳۰۰ یورو	Mo. BL

سوئد:

۱۰۰ کرون	رضا
۱۰۰ کرون	محمد کارگر نقاش

سوئیس:

۱۰۰ فرانک	شورا
۱۰۰ فرانک	اشرف

ایران:

۲۰۰۰ تومان	احمد شاملو
۳۰۰۰ تومان	رفیق حمید مؤمنی
۵۰۰۰ تومان	رفیق بیژن جزنی



برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه های خود را در دو نسخه جداگانه برای دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان را به یکی از آدرس های زیر پست کنند.

آلمان
K. A. R
Postfach 160531
60068 Frankfurt
Germany

دانمارک
I. S. F
P. B. 398
1500 Copenhagen V
Denmark

سوئیس
Sepehry
Postlagernd
3052 Zollikofen
Switzerland

هلند
Postbus 23135
1100 DP
Amsterdam Z.O
Holland

کانادا
K.Z
P.O.BOX 2488
Vancouver B.C
V6B 3W7 Canada

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس های سازمان ارسال کنید.

I. W. A
6932641 Postbank
HOLLAND

شماره های فکس ۰۰۴۴۸۴۵۲۸۰۲۱۶۶
سازمان فداییان ۰۰۴۴۸۷۰۱۳۸۲۵۷۲
(اقلیت) ۰۰۴۴۸۷۰۱۶۸۸۲۷۱

نشانی ما بر روی اینترنت:

<http://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیکی E-Mail:

info@fadaian-minority.org

شماره پیام گیر سازمان فدائیان (اقلیت):

۰۰۳۱ ۶۴۹۹۵۳۴۲۳

KAR

Organization Of Fedaian (Minority)
No 495 febrari 2007

طرح محدودیت جنسیتی پذیرش در دانشگاه‌ها برگ سیاه دیگری در کارنامه جمهوری اسلامی

معدن و ساختمان به لحاظ فیزیکی برای زنان مناسب نیستند و تحصیل کردن زنان در این رشته‌ها بیهوده است.

علی سرفرازی عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس، برای مستدل کردن بحث به نکته دیگری اشاره می‌کند و می‌گوید:

"بحث ایجاد محدودیت جنسیتی در مورد برخی رشته‌ها پیش از انقلاب با توجه به عدم تناسب برخی رشته‌ها نظیر معدن، مکانیک، کشاورزی و امثال آن در فیزیک

بدنی خانم‌ها امری معمول بوده است. این استدلال اوج سفاهت نماینده مجلس حکومت الله بر روی زمین را نشان می‌دهد. درست

در روزهایی که جمهوری اسلامی، در سالروز قیام بهمن و ملاحور شدن انقلاب مردم ایران- که روایت اسلامی آن

"پیروزی اسلام بر نظام طاغوت" است - بالماسکه اسلامی بر پا کرده، نماینده مجلس در دفاع از محدود کردن ورود دختران به

دانشگاه‌ها استدلال می‌کند که در "نظام طاغوت" هم این محدودیت‌ها وجود داشت. باید در پاسخ این نماینده مرتجع گفت اگر

اقتدای شما به "نظام طاغوت" است، به یاد بیاورید که در دوران رژیم پهلوی لااقل حجاب اجباری نبود، بنابراین برای اینکه

پای‌بندی خودتان به قوانین "نظام طاغوت" را نشان دهید، لطفاً طرحی هم برای لغو حجاب اجباری تهیه کنید! از این گذشته،

پیش کشیدن بحث فیزیک بدنی زنان برای عوامفریبی صورت می‌گیرد چرا که هر کسی می‌داند که هم اکنون بخش اعظم کار

کشاورزی در روستاها توسط زنان انجام می‌گیرد. در زمینه کار در معادن و بخش مکانیک نیز، بهانه کردن فیزیک بدنی زنان

توجیهی احمقانه است چرا که در بسیاری از کشورهای جهان، زنان در این بخش‌ها و بخش ساختمان نیز کار می‌کنند.

فاطمه آجرلو عضو فراکسیون زنان در صفحه ۷

طرح محدودیت جنسیتی پذیرش در دانشگاه‌ها، که روز ۴ بهمن ماه توسط تعدادی از نمایندگان به مجلس ارائه شد، هنوز مورد بحث و گفتگو در رسانه‌های عمومی است. این طرح چنان رسوا است که نیازی نیست به مخالفت زنان آگاه و افکار عمومی جامعه با آن اشاره شود، صدای جریاناتی از درون رژیم هم درآمده است. از جمله: کمیسیون زنان جبهه مشارکت، و انجمن زنان روزنامه‌نگار، و کمیسیون زنان دفتر تحکیم وحدت با صدور اطلاعیه‌هایی به این طرح اعتراض کرده‌اند. کمیسیون زنان دفتر تحکیم وحدت از دانشجویان و اساتید دانشگاه‌ها خواسته که به این طرح اعتراض کنند.

تدوین کنندگان طرح محدودیت جنسیتی پذیرش در دانشگاه‌ها، با استناد به درصد بالای دختران نسبت به پسران دانشجویان

خواستار این هستند که مجلس با صدور مصوبه‌ای وزارت علوم و آموزش عالی را موظف کند از طریق سهمیه بندی، ورود

دختران به دانشگاه‌ها را محدود کند. چرا که به اعتقاد این نمایندگان افزایش دختران

دانشجو و زنان تحصیل کرده خطرات بسیاری برای کشور در پی خواهد داشت. نمایندگان تدوین کننده طرح استدلال می‌کنند

که تحصیلات دختران باعث افزایش اختلافات خانوادگی می‌شود، در سال‌های اخیر آمار طلاق افزایش یافته، سن ازدواج

بالا رفته و در یک کلام قداست خانواده شکسته شده است. همچنین به محدودیت‌های

اجتماعی که طبق قوانین جمهوری اسلامی بر سر راه اشتغال زنان وجود دارد، اشاره می‌شود. از جمله این که زنان علی‌رغم تخصص و تحصیلات‌شان بدون موافقت پدر و همسر مجاز به کار کردن نیستند، بنابراین نمی‌توانند از تخصص‌شان استفاده کنند. یکی

دیگر از زنان نماینده ارائه دهنده طرح نیز می‌گوید برخی رشته‌ها مثل کشاورزی،

رادیو دمکراسی شورایی

رادیو دمکراسی شورایی، روزهای یکشنبه، سه‌شنبه، پنجشنبه و جمعه‌ی هر هفته، از ساعت ۵ / ۸ تا ۹ / ۵ شب به وقت ایران، روی طول موج کوتاه ردیف ۴۱ متر، فرکانس ۷۴۷۰ کیلو هرتز، پخش می‌شود.

برنامه‌های صدای دمکراسی شورایی، همزمان از طریق سایت رادیو دمکراسی شورایی، <http://www.radioshora.org>، نیز پخش می‌شود.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی